

گونه ای دیگر از جراحی قلب
نینا لی اکنو

چرا نتاثر؟ من بر این باورم که نتاثر می‌تواند جهان را دگرگون کند.

شاید این باور من برای بعضی‌ها بیش از حد ساده، کلیشه، و یا حتی ابلهانه به نظر رسد. ولی من همیشه بر اساس همین اعتقاد در مسیر بی‌انتهای هنر نتاثر قدم برداشته‌ام، و این اعتقاد تعهدیست که از همکاران و همسفران همراه خودم تقاضا می‌کنم. نتاثر علی‌رغم حضور و تهدید رادیو، تلویزیون، رویدادهای ورزشی، و اینترنت نه تنها پایدار مانده، بلکه رشد نیز کرده است. نتاثر تنها شاخه‌ی هنریست که در نهاد خود به مخاطب زنده نیاز دارد. نتاثر محتاج ماست که همگی و در کنار هم اتفاق افتادنش را در لحظه و بر روی صحنه ببینیم.

نتاثر معجزه است.

ما کاری را آماده می‌کنیم، روی صحنه می‌بریم و مخاطب می‌آید و می‌بیند.

این مخاطب می‌تواند جمعی از دوستان باشند به دنبال شبی شاد و خاطره‌انگیز در شهر، یا اعضای خانواده‌ی بازیگران که می‌خواهند عزیزانشان را روی صحنه ببینند، و یا حتی گروهی که بر حسب اجبار و از روی وظیفه بلیت خریده‌اند... مهم نیست؛ لحظه‌ای که چراغ‌ها کمسو می‌شوند تمامی بینندگان (هر کس، از هر کجا، و با هر نیتی) به جامعه‌ای متحد مبدل شده که در انتظار وقوع داستان به صحنه چشم می‌دوزند.

در نتاثر ما (چه سنتی و چه مدرن) مخاطب تنها یک شاهد اتفاق نیست، بلکه عنصری فعال و ضروری در گفتن داستان است.

داستان‌هایی که زخم‌ها را نشان می‌دهند داستان‌هایی که بر زخم‌ها مرهمند

داستان‌هایی که به ما این امکان را می‌دهند تا دنیای بیرون را فراموش کنیم

داستان‌هایی که ما را به گذشته می‌برند داستان‌هایی که ما را به آینده پرتاب می‌کنند

همه‌ی این داستان‌ها لازم و ضروری‌اند: از نتاثر عام‌پسند، تا نتاثری که حقایق تلخ را بیان می‌کند. از نتاثری که درمان می‌کند، تا نتاثری که آزار می‌دهد.

من نیز به سهم خود مخاطب نتاثر بوده‌ام... از پرفروش تا کم‌فروش، و حتی نتاثرهایی با سالن خالی... و به این حقیقت پی برده‌ام: آن منی که وارد سالن نتاثر می‌شود با منی که از سالن خارج می‌شود متفاوت است. این معجزه‌ی نتاثر است.

نتاثر گره‌ای را درون ما باز می‌کند، و یا گره‌ی باورهای ما را محکم‌تر می‌کند.

نتاثر ما را دگرگون می‌کند و این همان قدرت نتاثر برای ایجاد تغییر در جهان است.

شاید با درک این حقیقت اهمیت حضور تنوع نژادی و فرهنگی در نتاثر را بهتر بفهمیم... شاید این پاسخی باشد در جواب سوالی که چرا من و بسیاری مثل من تمام نیروی خود را در مسیر تحقق این آرمان به کار می‌گیریم.

این آرمان فراتر از "هشتگ"‌های اینترنتی و یا دریافت سهم بیشتر از مالیات دولتی‌ست. داستان‌های متنوع راحل‌های متنوع و

نوآورانه برای مسائل پیچیده ارائه می‌کنند. وظیفه‌ی هنرمند این است که از مخاطبان خود بخواهد (بخواهیم) تا در برقراری ارتباط با نتاثر، اتفاقی درونی و در لحظه را تجربه کنند. ما باید به مخاطبمان یاد آوری کنیم که انسانیت تجربه‌ای بسیار پیچیده و مهم است.

با اینکه میزان زیادی از انرژی ما صرف فروش بلیت، مباحثه با منتقد، و یا بردن جوایز می‌شود... این‌ها حاشیه‌اند... در اصل ما نیز به گونه‌ای پزشکان قلب و روح هستیم. ما می‌توانیم تذکر دهیم و یا باعث فراموشی شویم، دعوت به تظاهرات... حتی انقلاب کنیم.

نتاثر وسیله‌ای برای برقراری ارتباط با دیگران است.

نتاثر در طول تاریخ همیشه نقشی موثر در پیشبرد آزادی و برابری مدنی ایفا کرده و اکنون نیز می‌تواند... اگر ما این اجازه را به نتاثر بدهیم.

در مقابله با مشکلات کنونی، که همه‌ی ما از آن آگاه هستیم، باور من به قدرت نتاثر همچنان پا برجاست.

تا زمانی که مخاطب می‌خواهد با کار ارتباط برقرار کند و وارد سالن می‌شود (چه ده، چه صد، چه صد هزار) وظیفه و مسئولیت هنرمند نتاثر تمام نشده است.

ما می‌توانیم و جهان را با نتاثر تغییر خواهیم داد.